روزنه

موافقت رئیس‌جمهور با استعفای رئیس بنیاد شهید

● **شرق:** رئیس‌جمهوری روز گذشته با قبول درخواست استعفای حجت‌الاسلام محمدعلی شهیدی رئیس بنیاد شهید و امور ایثارگران به دلیل نیاز به استراحت بیشتر و اجرای توصیه پزشکان، از تلاش‌های ارزشمند ایشان در طول هفت سال گذشته در بنیاد شهید و خدمت خالصانه برای عزیزترین قشر جامعه قدردانی کرد.

حجت‌الاسلام شهیدی بهمن سال گذشته به دلیل بروز التهاب در رگ‌های نزدیک گوش و انجام عمل جراحی چند روزی در بیمارستان بستری بودند و رئیس‌جمهور و مقامات دولتی از او عیادت کردند. به گزارش ایسنا، در متن استعفای حجت‌الاسلام شهیدی آمده است: «خداوند متعال را سپاسگزارم که حسن ختام و پاداش خدمت سی و چند ساله‌ام را در نظام مقدس جمهوری اسلامی، خدمت به شهدا و فرهنگ والای ایثار و شهادت قرار داد. بر خود فرض می‌دانم از حضرت عالی که چنین فرصت مغتنم برای خدمت به افضل انسانها برای اینجانب فراهم کردید، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایم».

او با بیان اینکه امیدوارم شرایط و تمهیدات جدید موجب تحولات مورد نیاز برای ارائه خدمات بهینه و در خور شأن جامعه ایثارگری را فراهم کند، افزوده است: همان‌گونه که استحضار دارید اخیرا به دلیل بیماری و به توصیه پزشکان نیازمند استراحت و پرهیز از کار سنگین هستم.

شهیدی در این نامه با اشاره به اینکه تا تعیین فرد جدید برای قبول مسئولیت، کماکان به خدمت خود با افتخار ادامه خواهد داد، نوشته است: «همچنین در حد بضاعت از هیچ کوششی برای کمک، همراهی و انتقال تجربیات به فرد جدید دریغ نخواهم کرد».

حسن روحانی نیز در نامه‌ای این استعفا را پذیرفت و نوشت: «پیرو درخواست جنابعالی و به دلیل نیاز به استراحت بیشتر و اجرای توصیه پزشکان، با استعفای شما موافقت می‌شود. تلاش‌های ارزشمند شما در طول هفت سال گذشته در بنیاد شهید و خدمت خالصانه برای عزیزترین قشر جامعه که بر گردن همه ما حق بزرگی دارند، ستودنی است. از جنابعالی به عنوان نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید که تجربه گرانسنگی هم کسب کرده‌اید، می‌خواهم نسبت به مسئول جدید بنیاد از هرگونه مشورت، مساعدت و همکاری دریغ نفرمایید».

حجت‌الاسلام شهیدی‌محلاتی در کارنامه خود نمایندگی محلات در دوره سوم مجلس شورای اسلامی را دارد و از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۸ به عنوان معاون کنسولی و امور مجلس وزارت خارجه فعالیت می‌کرد. او در دولت دهم نیز از ۱۳۸۸ تا خرداد ۱۳۹۰ مشاور رئیس‌جمهور و رئیس بازرسی نهاد ریاست‌جمهوری بود اما به خاطر شرکت در انتخابات مجلس استعفا داد. شهیدی در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در سال ۱۳۹۲ مسئول کمیته روحانیون ستاد انتخاباتی حسن روحانی و مشاور او در امور روحانیت بود. خبرگزاری مهر وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی گفته با استعفای حجت‌الاسلام شهیدی از ریاست بنیاد شهید و امور ایثارگران، سعید اوحدی به عنوان جایگزین او معرفی خواهد شد. اوحدی در حال حاضر معاون حقوقی و امور مجلس وزیر آموزش و پرورش است. او پیش از این سابقه مسئولیت ریاست سازمان حج و زیارت و ریاست سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران، مشاور ویژه معاون اول رئیس‌جمهور در موضوع عراق و سوریه و معاون سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی وزارت میراث فرهنگی و گردشگری را داشته است.

امروز برگزار می‌شود

نخستین دادگاه اکبر طبری

● **شرق:** نخستین جلسه رسیدگی به اتهامات اکبر طبری و ۱۷ متهم مرتبط با پرونده او امروز (یکشنبه) به ریاست قاضی بابایی در شعبه ۵ دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار می‌شود. در این جلسه، کیفرخواست اکبر طبری و ۱۷ متهم دیگر این پرونده قرائت خواهد شد. به گزارش ایلنا، علی‌اکبر طبری‌پور، معاون پیشین امور اجرائی و فنی مهندسی حوزه ریاست رئیس سابق قوه قضائیه بود. طبری در ۲۰ سال گذشته، صاحب مناصب مختلفی در حوزه‌های مالی و رفاهی قوه قضائیه بوده است. او در دوره ریاست آیت‌الله سیدمحمود هاشمی‌شاهرودی، مدیر امور مالی و مدیر امور خدماتی و رفاهی بوده است و در دوره آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی با حضور در دفتر رئیس قوه قضائیه، ابتدا مدیرکل امور اجرائی و سپس معاونت اجرائی حوزه ریاست شد؛ سیدابراهیم رئیسی هفت روز پس از اینکه بر مسند ریاست قوه قضائیه نشست، طبری را برکنار کرد. اولین بار در ۲۳ تیرماه سال ۹۸ بود که حسن نوروزی عضو کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس دهم اعلام کرد که اکبر طبری معاون اجرائی حوزه ریاستِ رئیس پیشین قوه قضائیه بازداشت شده است. قرار بود دادگاه طبری اواخر اردیبهشت برگزار شود اما غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضائیه، در این خصوص گفته بود: «دادگاه اکبر طبری قرار بود ۳۰ یا ۳۱ اردیبهشت برگزار شود، در لحظه آخر مهلت اعلام نظر وکلا در خصوص پرونده، هر دو وکیل استعفا دادند تا برگزاری جلسه دادگاه به تأخیر بیفتد».

politics@sharghdaily.ir

همه روایت‌ها از مسئولیت قتل‌های زنجیره‌ای

دری‌نجف‌آبادی: قتل‌های زنجیره‌ای به من و به وزارت ربطی نداشت

پورمحمدی: قتل‌های زنجیره‌ای در سیستم اتفاق افتاد و مدیر پروژه گرایش چپ داشت

شرق: بعد از گذشت سال‌ها از قتل‌های زنجیره‌ای هنوز به دقت مشخص نشده که مسئولیت آن قتل‌ها با چه جریانی بوده است؟ برخی می‌گویند که نیروهای خودسر تعداد زیادی از متفکران را به قتل رساندند و برخی نیز آن وقایع را به وزارت اطلاعات منتسب می‌کنند.

روایت دری‌نجف‌آبادی

در آخرین اظهارنظر درباره مسئولیت آن قتل‌ها اخیرا قربانعلی دری‌نجف‌آبادی، وزیر اطلاعات دو سال اول دولت اول سیدمحمدخاتمی در برنامه تلویزیونی «دستخط» گفته است که قتل‌های زنجیره‌ای هیچ ارتباطی به وزارت اطلاعات دوران خودش نداشته است: «[قتل‌های زنجیره‌ای] به من ربطی نداشت. به وزارت مربوط نبوده است. وزارت سیستم خودش را دارد. دوستانی با هم جمع می‌شدند که ربطی به وزارت نداشت. مثل برخی اختلافات که در ۸۸ هم اتفاق افتاد که با دادستان تهران بود. بنده با کهریزک‌بردن صد درصد مخالف بودم. قبل از آن خواستند آقای شاهرودی را دور بزنند و کهریزک تعداد زیادی را ببرند. بنده دادستان کل بودم و مخالف بودم و گفتم هر کسی تخلف کرده باید جوابگو باشد. نمی‌شود آبروی نظام را برای این کار ببریم». او درباره یادداشتی که مقام معظم رهبری در ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای به او داده بودند هم گفت: «استعفای ما که معلوم است و شش صفحه هم ضمیمه استعفای من معلوم است. یک نامه هم برای آقای ناطق، رئیس مجلس نوشتیم که آن هم جای خود دارد. یک نامه خدمت آقا نوشتیم. ایشان بزرگواری کردند و بسیار با پدری و بزرگواری از ما تفقد کردند. ما هم جز ادای وظیفه و تکلیف کاری انجام ندادیم. من گفتم نمی‌توانم به نظام و رهبری نگویم. می‌گویم و هر چه شد باداباد. آنها می‌گفتند شما نگویید. من گفتم نمی‌توانم و باید بگویم. باید نظام بداند چه کسی تخلف کرده و نه پای دولت به آن معنا در کار است و نه نظام درگیر بود. این کار غلطی بود و چه معنا دارد که کار غلط کنند».

روایت پورمحمدی

در مقابل ادعای دری‌نجف‌آبادی، چندی پیش مصطفی پورمحمدی در گفت‌وگویی با نشریه «مثلث» خودسربودن قتل‌ها را انکار کرده بود و گفته بود: «در بحث قتل‌های زنجیره‌ای که شما بحث خاصتان خودسربودن بود، نه، آن بخش وزارت اطلاعات هیچ خودسر نبودند. شاید مدیرانش یک‌سری تصمیمات بد می‌گرفتند، ما داشتیم جاهایی که خود من موضع و انتقاد داشتم که بی‌خود کردید این تصمیم را گرفتید. من در یک بخشی بود در گپ‌های مباحثاتی با دوستانمان صحبت می‌کردیم می‌گفتم که این سیاست را قبول ندارم، نباید این‌جور باشید اما این‌جور نبود که از دست رها باشد؛ حتی این داستان قتل‌های زنجیره‌ای در سیستم اتفاق افتاد، جانشین امنیت، یعنی معاونت امنیت، جانشینش مدیر این پروژه بود که گرایش چپ داشتند، یعنی جایی نبود که پنج‌نفر خودسرانه آمده باشند دست به این کار زده باشند. اینها برای خودشان تحلیلی داشتند و فکر می‌کردند طبق آن تحلیل باید به نظام خدمت کنند و اصلاح‌طلبان را از ورطه خطرناکی که در آن خواهند افتاد، نجات بدهند؛ تحلیل‌شان هم این بود که ضدانقلاب دارد به اصلاح‌طلب‌ها می‌چسبد و ما ناچاریم دوباره حوادث سال۶۰ و جنگ‌های خیابانی را تکرار و تجربه کنیم. اینها گفتند ما عملیات پیش‌دستانه انجام بدهیم تا این اتفاقات نیفتد و اتفاقا مدیران اصلی این تصمیم گرایش چپ داشتند؛ یعنی نسبت به آقای خاتمی که رئیس‌جمهور شده بود، نظر مثبت داشتند و طرفدار آقای خاتمی بودند».

او در پاسخ به نقش سعید امامی در قتل‌های زنجیره‌ای هم گفته بود: «آنهایی که دستگیر شدند و اعتراف کردند، گفتند که آقای سعید امامی، مشاور وزیر بود و نهایتا به‌عنوان مشاور از ایشان استفاده کرده بودند. مدیر پروژه که نبود، مدیر تصمیم‌گیری نبود، نه مقام تصمیم‌گیری داشت، نه مقام طراحی و اجرا داشت. حداکثر با ایشان مشورت کردند که ما از ایشان سؤال کردیم، گفت نه، من در این کار نبودم، تا آخرین لحظه هم حرفش این بود که من نبودم. به آن آقایان که می‌گفتیم تعبیری که می‌کردند، می‌گفتند ما اجازه هم داریم که هر چه تلاش کردیم ما اجازه‌ای ندیدیم ولی تلقی و نظر خودشان این بود که ما رفتیم و اجازه هم داریم و از این حرف‌ها، ما گفتیم کیست و بعد هم ثابت نشد چنین چیزی که توانستند اجازه بگیرند. اینکه فکر کنیم جماعتی همین‌جوری خودسر آمدند و انجام دادند به این شکل که نبود، اینها تحلیل داشتند، حالا اینکه در این تحلیل اینها نفوذی وجود دارد، این هم ثابت نشد، ما که نمی‌توانیم صرفا روی تحلیلمان کار کنیم، آدم‌هایش موجودند، محاکمه شدند، زندان رفتند، همه‌شان تحمل حبس طولانی کردند، اینها که موجودند بعد هم اینکه {در} وزارت کار کردند، هیچ ردی که مشخصا القای مستقیم باشد، نبود. شاید برخی فضاسازی‌ها تاثیر غیرمستقیم روی تصمیم‌گیری‌ها بگذارد. بعید نیست؛ الان هم یکی از شگردهای قوی دستگاه اطلاعاتی این است که فضا را جوری طراحی می‌کنند که آدم‌ها براساس آن طراحی به تصمیماتی می‌رسند. القای غیرمستقیم می‌تواند چنین چیزهایی باشد ولی اینکه مستقیما طبق ادعایی که برخی از این آقایان کردند یعنی شبکه جاسوسی و نفوذ و اینها، هیچ‌کدامشان ثابت نشد و این حادثه هم اتفاق افتاد. از این جهت می‌توان گفت وزارت اطلاعات یک مجموعه گسترده‌ای با احساس مسئولیت و فداکاری، جان‌نثاری و پای کار بودن است و البته محیط‌های قدرت پنهان محیط‌های خطرناکی است، محیط‌های اشتباه‌خیزی است، محیط‌هایی است که اگر کنترل نشود، مشکل‌ساز خواهد شد. از این جهت هم اول انقلاب چه حضرت امام (ره) و چه مقام معظم رهبری نسبت به نظارت بر فعالیت‌های وزارت حساسیت داشته‌اند و این حساسیت کاملا هم درست است. از همان اول تا به امروز حفاظت وزارت اطلاعات جزء سختگیرترین، جدی‌ترین و باوسواس‌ترین حفاظت‌های دستگاه‌های ماست. مردم می‌گویند حفاظت‌ها و حراست‌های دستگاه‌های بیرون سختگیری می‌کنند، ندیدند حفاظت وزارت اطلاعات را که چگونه عمل می‌کند، هیچ پروا ندارد و مراعات هیچ‌کس را نمی‌کند، خیلی جدی و خشن است و مراقبت شدید وجود دارد؛ یعنی کنترل‌هایی که هیچ مجاز نیست افراد بیرون بشوند، تمام نیروهای اطلاعاتی و خانواده‌هایشان تحت کنترل شدید هستند که لازمه‌اش هم هست، نمی‌شود که دستگاه اطلاعاتی رها بشود. آنجا کانون قدرت پنهان است و حتما باید مراقبت‌های شدید نسبت به آنها اعمال بشود».

روایت نیازی

بعد از این گفت‌وگو محمد نیازی، رئیس وقت سازمان قضائی نیروهای مسلح که مسئولیت رسیدگی به پرونده قتل‌های زنجیره‌ای را برعهده داشت به پورمحمدی پاسخ داد و در روزنامه «شرق» نوشت: «چند سؤال از جناب آقای پورمحمدی؛ اولا، اگر قتل‌ها در سیستم اتفاق افتاد و عوامل اصلی این جنایت خودسر و محفلی نبودند، چرا در پروژه‌ای با این اهمیت جانشین معاون امنیت آن را مدیریت کرد نه خود معاون امنیت؟ اگر تصمیم سیستم بود چرا مسئول اصلی، یعنی معاون امنیت، از اجرای آن بی‌اطلاع بود؟ (هرچند معاون امنیت وقت نیز از این جهت زیر سؤال است). ثانیا، چرا عناصری از برخی معاونت‌های دیگر، ازجمله معاونت اطلاعات مردمی، درگیر قتل‌ها شدند، بدون آنکه معاونت مربوطه در جریان قرار گرفته باشد؟ ثالثا، آقای مصطفی کاظمی در جلسه دادگاه اعلام کرد که سوژه‌ها را خودم انتخاب می‌کردم و قتل همسر فروهر را همان زمانی که نیروها برای اجرای عملیات رفته بودند و چند ساعت قبل از شروع عملیات، تصمیم گرفتم. جناب آقای پورمحمدی، آیا سیستم این‌گونه برای قتل انسان‌ها تصمیم می‌گرفت؟ آیا این اتهامی بزرگ به وزارت اطلاعات نیست؟... جناب پورمحمدی درباره انگیزه عوامل اصلی جنایت مطالب عجیبی بیان کرده‌اند؛ ازجمله اینکه آنان براساس تحلیل خودشان فکر می‌کردند باید به نظام خدمت کنند و اصلاح‌طلبان را از ورطه خطرناک نجات دهند و نگذارند که ضدانقلاب به آنان بچسبد و ما ناچار باشیم حوادث سال۶۰ و جنگ‌های خیابانی را تکرار کنیم و ما عملیات پیش‌دستانه انجام دادیم؛ و اتفاقا مدیران اصلی این تصمیم گرایش چپ داشتند. آیا آقای پورمحمدی خودشان به وجود چنین انگیزه‌ای باور دارند؟ اگر پاسخ مثبت است، به این سؤال پاسخ دهند که چگونه از طریق قتل آقای داریوش فروهر با آن وضعیتی که از نظر جسمی و نقش سیاسی داشت (مقام معظم رهبری فرمودند: آقای فروهر دشمن ما بود ولی خطری نداشت) و با قتل همسر او، آن‌هم شبانه و با وضع بسیار فجیع (کاردآجین)، چگونه اصلاح‌طلبان از ضدانقلاب جدا می‌شدند؟ یکی از عوامل اصلی جنایت در پاسخ به سؤال یکی از مباشرین قتل‌ها که چرا باید با این شیوه به قتل برسند و این مسئله مشکل ایجاد خواهد کرد، گفته بود باید قتل‌ها به‌گونه‌ای انجام شود که در دنیا صدا کند. چگونه با این قتل‌های جنایت‌آمیز، که برای نظام و امنیت ملی ما چالش‌ساز شد و ضربه جبران‌ناپذیری بر پیکر وزارت اطلاعات وارد کرد، خدمت به نظام صورت می‌پذیرد؛ آن‌هم از سوی کسانی که به قول آقای پورمحمدی اهل تحلیل بودند و علی‌الاصول پیامدهای خطرناک این جنایات را می‌دانستند و پیش‌بینی می‌کردند؟... جناب پورمحمدی نقش آقای سعید امامی را به مشاور عوامل اصلی جنایت کاهش داده است. درباره نقش نامبرده در قتل‌های زنجیره‌ای سال۱۳۷۷ (صرف‌نظر از اتهامات دیگر او که موضوع بحث ما نیست) توضیحات زیر ارائه می‌شود: الف: آقای پورمحمدی حداقل پذیرفته‌اند که سعید امامی به عوامل اصلی جنایت برای انجام آن مشورت داده است. البته آقای پورمحمدی قبلا گفته بود: سعید امامی از جریان قتل‌ها خبر نداشت حتی من خودم به او گفتم اگر تو هم دست داری بگو تا شر این غائله کنده شود. او جواب داد نقشی نداشته‌ام. از موسوی هم پرسیدم گفت: نقشی نداشت و اطلاع هم نداشت ولی شاید حدس بزند. (روزنامه انتخاب ۷۹/۲/۳۱. جالب است که ایشان برای اثبات ادعای خود به اظهارات سعید امامی و موسوی قبل از دستگیری آنان استناد می‌کند). آقای سعید امامی در این زمان مشاور وزیر بود. چرا باید در این پروژه با او مشورت می‌کردند؟ ممکن است آقای پورمحمدی پاسخ دهند می‌خواستند از تجربه او در دوران تصدی معاونت امنیت استفاده کنند. پاسخ این است که افراد دیگری هم بودند با همین شرایط، چرا از آنان مشورت نگرفتند؟».

> **دری نجف‌آبادی:**
> **وزارت سیستم خودش را دارد. دوستانی با هم جمع می‌شدند که ربطی به وزارت نداشت. مثل برخی اختلافات که در ۸۸ هم اتفاق افتاد که با دادستان تهران بود. بنده با کهریزک‌بردن صد درصد مخالف بودم. قبل از آن خواستند آقای شاهرودی را دور بزنند و کهریزک تعداد زیادی را ببرند. بنده دادستان کل بودم و مخالف بودم و گفتم هر کسی تخلف کرده باید جوابگو باشد. نمی‌شود آبروی نظام را برای این کار ببریم**

روایت آشنا

اما پیش‌تر یعنی در سال۹۷ حسام‌الدین آشنا در توییتی به نمازی حمله کرده و نوشته بود: «مطمئن هستم که وزیر وقت اطلاعات نه در آن جنایات دخیل بوده و نه از آمران آن خبر داشت. من در همان سال۱۳۷۷ در روزنامه‌های انتخاب و جمهوری اسلامی با نام مستعار بهمن شناسا مطالب لازم را دراین‌باره نوشته‌ام. این پرونده به سخت‌ترین و خشن‌ترین وجه ممکن مورد رسیدگی قرار گرفت. آنچه در سازمان قضائی نیروهای مسلح اتفاق افتاد، به‌هیچ‌وجه کمتر از اصل قتل‌ها نبود. روزی باید از آقای نیازی سؤالات سختی پرسید!».

روایت یونسی

علی یونسی، وزیری که بعد از دری‌نجف‌آبادی بر صندلی وزارت اطلاعات دولت خاتمی نشست هم در گفت‌وگو با ضمیمه روزنامه ایران (ایران ماه) در سال۹۸ پیگیری قتل‌های زنجیره‌ای را این‌گونه روایت کرده بود: «ما همان هفته اول مأموریت‌مان، ماجرا را روشن کردیم و معلوم شد این قتل‌ها توسط وزارت اطلاعات و قاتلانش صد درصد از پرسنل این وزارتخانه بودند. این گزارش را به رئیس‌جمهوری دادیم و ایشان هم از وزیر وقت خواست تا استعفا بدهد. آقای دری استعفا داد و وزارت اطلاعات هم آن اطلاعیه معروف را که در تاریخ سازمان‌های اطلاعاتی بی‌نظیر یا کم‌نظیر است منتشر کرد و رسما این تقصیر را پذیرفت. از نظر خیلی‌ها این یک فاجعه بود و از نظر خیلی‌ها هنوز هم محل اختلاف است که آیا صدور این اطلاعیه کار درستی بود یا نبود. برخی می‌گفتند بالاخره اشتباهی یا جنایتی صورت گرفته بود، اما اعتراف‌کردن چه لزومی دارد. خیلی‌ها این مسئله را صحیح نمی‌دانستند اما رئیس‌جمهوری وقت صلاح می‌دانست که وزارتخانه اطلاعیه بدهد. آن زمان، تعدادی دستگیر شدند و بنا بود بقیه افراد هم دستگیر شوند. از نظر من پرونده خیلی روشن بود؛ یعنی می‌شد حداکثر ظرف یک الی دو ماه پرونده را آماده کرد و به دادگاه فرستاد، چون موضوع اصلا پیچیده نبود. در چنین مواردی معتقد هستم باید با مسئله آن‌طور که اتفاق افتاده برخورد کرد و با مسائل سیاسی پیچیده‌اش نکرد. درست مثل پرونده آقای دکتر نجفی شهردار سابق تهران».

او در این گفت‌وگو نتیجه قتل‌های زنجیره‌ای را این‌گونه دانسته بود: «سازمان قضائی آن موقع بر اساس این تحلیل کار را پیش می‌برد که چون این اتفاق به ضرر نظام جمهوری اسلامی بوده و قتل امثال فروهر توجیه امنیتی ندارد و فقط به نفع اسرائیل و دشمنان است، باید نفوذی از بیرون صورت گرفته باشد و این نفوذ شاید اسرائیل باشد که در وزارت اطلاعات صورت گرفته است. بر همین اساس می‌گفتند باید زیر و بم نفوذ را درآورد و با اعمال شکنجه‌های طاقت‌فرسا از بعضی دستگیرشدگان اعتراف گرفتند که با اسرائیل ارتباط داشته‌اند و همچنین به گناهان و جرائم عجیب و غریب هم اعتراف کرده بودند».

روایت حسینیان

روح‌الله حسینیان هم پیش‌تر یعنی در تابستان سال ۷۸ و بعد از قضایای کوی دانشگاه در جمع طلاب مدرسه حقانی درباره قتل‌های زنجیره‌ای گفته بود: «قبل از اینکه این قتل‌ها آغاز شود، من بیوگرافی آقای موسوی معروف به آقای کاظمی البته اسم اصلی‌اش آقای کاظمی است، در این مصاحبه‌هایی که آقای نیازی می‌کنند و اطلاعیه‌هایی که سازمان قضائی می‌دهد به سیدمصطفی کاظمی یا به اعتبار ما آقای موسوی (موسوی‌شیرازی). آقای موسوی بچه استان فارس است. از همان زمانی که اطلاعات در سپاه تشکیل شد، در اطلاعات سپاه بود و از همان زمان متهم بود که با دستگاه آقای منتظری، هادی و مهدی هاشمی در ارتباط است. بعد از اینکه وزارت اطلاعات تشکیل شد و اداره کل اطلاعات هم در استان فارس تشکیل شد، ایشان به عنوان مسئول اداره کل اطلاعات فارس انتخاب شدند که درگیری درونی از همان جا در استان فارس هم شروع شد و ایشان معروف بود در همان زمان، از بچه‌های چپ استان فارس هست. درگیری بین ایشان و امام جمعه شیراز به اوج خود رسید که ناچار شدند آقای موسوی را از شیراز به تهران منتقل کنند و در وزارت هم که بود معروف بود به چپ‌گرایی. در جریان انتخابات به‌شدت از جناب آقای خاتمی حمایت می‌کرد و این حمایت هم به قدری افراطی شده بود که بعد دیگر حتی طرفداران خود آقای خاتمی هم ناراحت می‌شدند. در این ماجرا، مدتی قبل از اینکه این قتل‌ها شروع بشود، آقای موسوی خدمت آقای خاتمی می‌رسد، ناگفته نماند که برای معاونت امنیت هم از طرف ریاست‌جمهوری، آقای موسوی پیشنهاد شده بود به آقای دری که ایشان به عنوان معاون امنیت نصب شود اما به ادله مختلف پذیرفته نشد اما به عنوان معاون معاون امنیت یا جانشین معاون امنیت منصوب شدند. قبل از اینکه این قتل‌ها به وقوع بپیوندد، ایشان خدمت رئیس‌جمهوری می‌رسد و مطلبی را اعلام می‌کند و می‌گوید که در وزارت اطلاعات سناریویی در حال تدوین است و می‌خواهند عده‌ای را به قتل برسانند تا باعث سقوط دولت شما بشود. هنوز از قتل‌ها خبری هم نبود و حتی با یکی از مشاورین ریاست‌جمهوری هم تماس تلفنی گرفته و این جریان را گفته که خوشبختانه نوارش موجود است و ضبط شده این مکالمه. بعد از مدتی قتل‌ها شروع شد. وقتی که فروهر و خانمش کشته شدند، رئیس‌جمهور موضع‌گیری کرد، مسئولین دیگر موضع‌گیری کردند، خصوصا ریاست‌جمهوری موضع تندی گرفت و هیئت هم از آن زمان شروع به کار کرد. بلافاصله بعدش قتل‌های دیگری هم به وقوع پیوست که از همان اول این ماجرا را مشکوک می‌کرد که چرا واقعا چنین اتفاقاتی دارد پشت سر هم به وجود می‌آید. بعد از اینکه ماجرای قتل‌ها به اوج خود رسید، خود آقای موسوی رفت به دفتر رئیس‌جمهور و گفت که این قتل‌ها توسط من انجام شده و کشفی هم اصلا در کار نبود. خود ایشان رفتند گفتند. حتی دو، سه روز ایشان را تحویل نمی‌گرفتند و می‌گفتند دروغ است، مگر می‌شود آقای موسوی دوم‌خردادی طرفدار جبهه دوم خرداد چنین کاری را مرتکب شده باشد؟ نمی‌پذیرفتند و می‌گفتند باز این سناریو است. تا بالاخره آن‌قدر اصرار کرد که پذیرفتند. نکته بسیار مهمی در بازجویی، آقای موسوی مطرح کرده است که باز من عرض می‌کنم، آخرین حرفش هم همین است. آقای موسوی علت و انگیزه قتل‌ها را چنین بیان می‌کند، عین عبارت است که من حفظ کرده‌ام، ایشان می‌گویند که: تحلیل ما از اوضاع جاری روز این بود که آقای خامنه‌ای غیر از امام است و آقای خاتمی هم به دلیل اینکه ۲۰ میلیون رأی آورده و ۲۰ میلیون پشتیبان دارد، قدرتش بیشتر از بنی‌صدر است و ما این قتل‌ها را مرتکب می‌شویم و به گردن آقای خامنه‌ای می‌اندازیم و جنگ بین این دو منجر به شکست آقای خامنه‌ای در مقابل خاتمی خواهد شد».

روایت حجاریان

سعید حجاریان هم در آبان سال ۷۹ در منزل خود و در دیدار با کارکنان خبرگزاری «ایسنا» گفته بود: «موتور این ماشین قبل از دوم خرداد روشن شده، قربانیانی گرفته بود ولی ظاهرا کسانی که این ماشین را ساختند، فراموش کرده بودند که باید آن را خاموش کنند. شاید هم انتظار داشتند این ماشین بعد از دوم خرداد هم همچنان به کار خود ادامه دهد و قربانیان بیشتری بگیرد... به نظر من توجه به سخنان کسانی که بعد از دوم خرداد می‌گفتند: دوم خرداد شش‌ماهه تمام می‌شود و یا آنان که اظهار می‌داشتند: اگر آقای خاتمی رئیس‌جمهور شود، امنیت ملی ما به خطر می‌افتد، مهم است و تحلیل قتل‌های زنجیره‌ای هم کمک می‌کند که ما این حرف‌ها را بهتر بفهمیم و دریابیم که این حرف‌ها را چه کسانی، چرا و با چه مقصودی بیان کرده‌اند... با تحلیل قتل‌های زنجیره‌ای می‌توان به سئوالاتی از قبیل اینکه چرا دوم خرداد از بین نرفت؟ پاسخ داد و به راز پایداری و دوام دوم خرداد پی برد... این قتل‌ها ابعاد بسیار مهمی دارد و پی‌بردن به مسائلی همچون پدیده دوم خرداد، نحوه مبارزه با اصلاحات، سرنوشت کشور و مواضع سیاسی احزاب و گروه‌های ما کاملا در گرو برخورد با این پدیده است».

بازتاب

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● **پاسخ روابط‌عمومی شهرداری منطقه ۱۵:** احتراما در پاسخ به مطلب مندرج در آن روزنامه، مورخ ۱خرداد ۹۹ مبنی بر «ایجاد مزاحمت وانتی‌ها و سد معبر میوه‌فروشان خیابان شهرزاد»، به استحضار می‌رساند؛ نیروهای ناحیه یک با همکاری منطقه تلاش‌های مستمری به‌منظور رفع و حل این معضل با توجه به اهمیت موضوع و پیام‌های متعدد شهروندان در سامانه ۱۳۷ و ۱۸۸۸ انجام داده‌اند؛ ولی برای رفع این معضل چندساله، نیاز به همکاری بیشتر مراجع قضائی و انتظامی است که امیدواریم با همکاری صددرصدی و همه‌جانبه ارگان‌های مربوطه بتوانیم این مشکل را به‌طور کامل، نه مقطعی، برطرف کنیم.

خبر

توصیه‌های جامعه مدرسین حوزه علمیه به مجلس یازدهم

● جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به مناسبت آغاز به کار مجلس یازدهم در نامه‌ای به رئیس مجلس از ۱۳ اولویت مهم کشور نوشتند. به گزارش «ایسنا»، در این نامه جامعه مدرسین خطاب به قالیباف آمده: امیدواریم اکنون که شما و دیگر منتخبان ملت در جایگاه مهم نمایندگی ملت در مجلس شورای اسلامی مجال و توفیق خدمت یافته‌اید، ایمان، شجاعت، ایستادگی و تأکید بر مبانی نظام و کار و تلاش مؤمنانه را متبلور کنید و در حوزه تقنین و نظارت، مشفقانه و مؤثر و به دور از انگیزه‌های شخصی، کار و مدیریت جهادی را به منصه ظهور برسانید. در ادامه این نامه نکات مدنظر جامعه مدرسین ذکر شده است: رهنمودهای مقام معظم رهبری به مجلس شورای اسلامی چراغ راه شماست و التزام عملی به این توصیه‌ها شما را در خدمت به مردم و نظام اسلامی موفق و سربلند می‌کند. توصیه اکید داریم به دور از دسته‌بندی‌های سیاسی فقط به آرمان‌های فطری و انسانی انقلاب اسلامی توجه داشته باشید و در همه تصمیمات و بزنگاه‌ها بر اصول انقلاب ایستادگی و پافشاری کنید. لازم است در امر قانون‌نویسی، شرع مقدس و حدود الهی رعایت شود. رعایت ضوابط و حدود شرعی فلسفه ارسال پیامبران و جان‌مایه آرمان‌های انقلاب اسلامی است. در مسئله مبارزه با مفاسد اقتصادی قدم‌هایی استوار بردارید و زخم‌های چرکین فساد را با دستانی پاک جراحی کنید. علاج دردهای بزرگ اقتصادی، معیشتی و مشکل گرانی در کارشناسی و عمل مخلصانه است. مجلس باید استقلال خود را حفظ کند و در تصمیم‌گیری و عمل به تکلیف شرعی خود با مدنظر قراردادن اهداف کلان نظام اسلامی، تصویب قوانینی جامع، کامل و گره‌گشا برای خدمت به اسلام و ارزش‌های انقلابی ملت را پیگیری کند. در بخش دیگری از این نامه آمده: موانع گسترش عدالت را رفع کنید و با فراهم‌کردن زیرساخت‌های قانونی و ریل‌گذاری جهت تحقق عدالت اجتماعی و ثبات اقتصادی، معیشت مردم و اقتصاد خانواده‌ها را در اولویت قرار دهید. زیرساخت‌های لازم برای تأمین سلامت محیط اخلاقی، سلامت محیط خانوادگی، تربیت نسل جوان، افزایش باروری و پیشگیری از کاهش جمعیت باید با جدیت فراهم شود. لازم است در تقنین، مشکلات پیش‌روی اجرای سیاست‌های جمعیتی کشور رفع شود و در حوزه نظارت، عملکرد مسئولانی که زمینه‌های لازم را فراهم نمی‌کنند، نقد شود.

ادامه از صفحه ۲

اهمیت تحول در شیوه حکمرانی

۴- در ایران دولت در سطح سیستم و ساختارسازی و برقراری حکمرانی خوب، نیاز به اصلاح دارد. دولت در ایران مجموعه‌ای از دستگاه‌های اداری پراکنده‌ای است که در جامعه سیاسی، سازمان‌یافته نشده و با یک جامعه مدنی مستقل و ساخت‌یافته، به توازن و توافق نرسیده است. کم‌نهادینگی و نبود ساختارسازی نظام اداری، اجازه نمی‌دهد دستگاه‌های اداری و دیوانی به صورت ابزار عقلایی سیاست‌های منسجم و هم‌گرا و ابزار توسعه درآیند. دولت نیازمند «استقلال» است تا دست به خانه‌تکانی‌ای اساسی بزند و بتواند به‌عنوان نماینده ملت (دولت نماینده)، وظیفه ارتقای وضعیت عمومی و توسعه اجتماعی را پیش ببرد.

۵- بسیاری از عارضه‌ها و مشکلاتی همچون اختلاس و فسادهای ریزودرشت، رشد ضعیف اقتصادی، رکود فراگیر، شکاف طبقاتی، تخریب محیط زیست، رواج روحیه خودخواهانه و منفعت‌طلبانه و بداخلاقی در بین مدیران، جامعه و نظایر آن می‌تواند با ارتقا و اصلاح نحوه اداره دولت و تن‌دادن به حکمرانی خوب، حل‌وفصل شود. حکمرانی‌ای که مشخصه اصلی و اساسی آن شفافیت، محاسبه‌پذیری، پاسخ‌گویی و کنترل‌پذیری اجتماعی است تا بتواند با کارآمدی و ظرفیت‌سازی (همراه‌کردن و همراه‌شدن بخش خصوصی و جامعه مدنی)، رویکردی تحول‌گرایانه را در پیش گیرد و دست معامله‌گران را قطع کند.